آنالیز گزارش حمایت‌های ۳٫۵ سال اخیر بنیاد فارابی از فیلم‌های سینمایی

شفاف‌نمایی در وقت‌های اضافه

مصطفی قاسمیان
خبرنگار

بعد از ظهر شنبه ۶ مرداد ماه و در آخرین روز کاری دولت سیزدهم پیش از آغاز به کار رئیس جمهور جدید، اولین گزارش شفاف‌سازی از عملکرد بنیاد سینمایی فارابی به عنوان بازوی تولید سازمان سینمایی به انتشار رسید. این رخداد بالاخره بعد از حدود سه سال اتفاق افتاد؛ چراکه در ایام استقرار دولت سیزدهم، زیرمجموعه‌های سازمان سینمایی گزارش‌های عملکرد را به طور عمومی منتشر نمی‌کردند و به نوعی شفاف‌سازی داوطلبانه که پیش از این رویه شده بود، کنار گذاشته بودند. جالب آن که سایت رسمی روابط عمومی این بنیاد، گزارش مذکور را «در ادامه گزارش‌های شفاف‌سازی قراردادها و حمایت‌های خود از آثار سینمایی» دانسته است! فارغ از این مساله، گزارش مورد اشاره در ۱۴ صفحه درباره قراردادهای حمایتی بنیاد سینمایی فارابی از فیلم‌ها، فیلمنامه‌ها و پژوهش‌های سینمایی را شامل می‌شود و در انتها اسامی ۱۲۹ فیلمساز اول را که موفق به اخذ موافقت شورای بررسی صلاحیت کارگردانی فیلم اول شده بودند، معرفی کرده است. در ادامه تحلیل نکاتی از این گزارش را می‌خوانید که ممکن است در نگاه نخست به چشم نیاید.

تحلیل فیلمنامه‌های مورد حمایت

بخشی از فهرست محصولات مورد حمایت بنیاد سینمایی فارابی، متعلق به فیلمنامه‌هایی است که از این بنیاد حمایت دریافت کرده‌اند. در فهرست منتشرشده نام ۶۵ فیلمنامه به چشم می‌خورد که مجموعا ۱۰ میلیارد و ۹۷۵ میلیون تومان برای فارابی هزینه برداشته‌اند. این رقم نشان‌دهنده هزینه میانگین ۱۶۹ میلیون تومانی برای این فیلمنامه‌هاست. البته اگر بازه زمانی را تنها به سال ۱۴۰۳ محدود کنیم که دستمزدها بالاتر رفته، مشخص می‌شود که فارابی به طور میانگین برای هر فیلمنامه ۲۲۵ میلیون تومان می‌پردازد. اغلب این آثار به مرحله تولید نرسیده‌اند، اما محصولاتی مانند «هوک»، «پالایشگاه» و «سینما متروپل» در میان این آثار دیده می‌شوند که ساخته شده‌اند. اتفاق جالب حضور محسن امیریوسفی، فیلمساز جریان عرفی سینمای ایران است که برای نگارش دو فیلمنامه «همایون» و «فراموش کن» از این بنیاد ۸۴۳ میلیون تومان دریافت کرده و جالب‌تر ذکر عنوان «تهاتر و تسویه بدهی» در کنار نام او است؛ گویا این فیلمنامه‌ها برای تسویه حساب دیگری از این فیلمساز خریداری شده‌اند. فیلم‌های اجتماعی با ۲۴ عنوان در فهرست فیلمنامه‌های مورد حمایت فارابی، بیشترین سهم را دارند و بعد از آن ژانر کودک و نوجوان با ۱۷ عنوان، دوم است. ۹ فیلم با مضمون مقاومت و هشت فیلم دفاع مقدسی نیز در این فهرست دیده می‌شوند. گران‌ترین فیلمنامه خریداری شده متعلق به اثر ۴۰۰ میلیون تومانی هاتف علیمردانی با عنوان «تلخه گندم» است و بعد از آن «سینما متروپل» با فیلمنامه‌ای ۳۵۰ میلیون تومانی، رتبه دوم را در اختیار دارد.

ارقام سرسام‌آور از آثار جنگی

جذاب‌ترین بخش گزارش عملکرد بنیاد سینمایی فارابی طی ۳٫۵ سال گذشته، احتمالا به سرمایه‌گذاری روی تولید آثار سینمایی برمی‌گردد که تحت عنوان «پیش خرید مالکیت و حقوق فیلم» معرفی شده و به عنوان وظیفه اصلی این بنیاد شناخته می‌شود. در این فهرست آثار گران قیمت زیادی دیده می‌شود که سرآمد آنها را می‌توان «آسمان غرب» به کارگردانی محمد عسگری دانست؛ فیلمی که بنیاد فارابی برای سهم ۵۰ درصدی در آن، ۲۹ میلیارد تومان هزینه کرده است! با این حساب می‌توان آسمان غرب، را با برآورد نزدیک به ۶۰ میلیارد تومانی، پرهزینه‌ترین فیلمی دانست که طی ۳٫۵ سال گذشته با سرمایه این زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (به شکل مشترک با حوزه هنری) ساخته شده؛ فیلمی که درنهایت با وجود قرارگیری در اکران طلایی نوروز، تنها ۱۰ میلیارد تومان در گیشه فروخت و مورد توجه تماشاگران واقع نشد. دومین فیلم گران قیمت این فهرست، اثر ۵۰ میلیارد تومانی خیرالله تقیانی‌پور با عنوان «قلب رقه» است که تهیه‌کننده آن برای اعطای سهم ۵۰ درصدی به فارابی، از این بنیاد ۲۵ میلیارد تومان دریافت کرده است. اگرچه این فیلم هنوز اکران نشده، ولی براساس واکنش تماشاگران در جشنواره، به نظر می‌رسد شاید نتواند حتی همان ۱۰ میلیارد فیلم آسمان غرب را هم تکرار کند. از دیگر فیلم‌های پرهزینه فارابی که به مرحله ساخت رسیده، می‌توان به «سینما متروپل» اثر محمدعلی باشه‌آهنگر اشاره کرد که با دریافت ۲۴ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان درنهایت با سیمرغ‌های بهترین فیلم و بهترین کارگردانی از فجر سال ۱۴۰۱ بدرقه شد، اما برای اکران، سرنوشت نامعلومی دارد و گفته می‌شود دچار مشکل شده است. بنیاد سینمایی فارابی همچنین قرارداد عجیبی با سازندگان فیلم «دست ناپیدا» دارد که برای سهم ۲۵ درصدی از آن، ۹ میلیارد تومان پرداخت کرده یعنی کل فیلم ۳۶ میلیارد تومان برآورد داشته و این رقم برای اثری که در جریان جشنواره فجر به عنوان «کمدی ناخواسته» مطرح شد، چیزی جز هدررفت بودجه نیست. مشابه این فیلم می‌توان از «شور عاشقی» نام برد که برای سهم ۴۰ درصدی، از بنیاد فارابی ۱۳ میلیارد تومان دریافت کرده تا برآوردی ۳۲ میلیارد تومانی را به ذهن متبادر کند؛ فیلمی که همین حالا روی پرده است و کمتر از یک میلیارد تومان فروخته است. از این دست محصولات یکی، دوسال اخیر در این گزارش باز هم به چشم می‌خورد، اما باید به مورد عجیب «پالایشگاه» اشاره کرد که در قرارداد پیش خرید حقوق صددرصدی، ۲۴ میلیارد تومان برای بنیاد فارابی هزینه داشته و دومیلیارد تومان دیگر هم در قرارداد متمم پیش خرید و مالکیت حقوق (حسابرسی) به آن اضافه شده که هزینه این فیلم را ۲۶ میلیارد تومان نشان می‌دهد؛ اثری که البته ۲۵۰ میلیون تومان هم بابت فیلمنامه گرفت، ولی این فیلم درنهایت فقط ۶۲۶ میلیون تومان فروخت تا با احتساب سهم حدود ۳۰ تا ۳۵ درصدی سرمایه‌گذار از گیشه، حتی هزینه فیلمنامه آن هم درنیامده باشد. مورد «بهشت تبهکاران» نیز عجیب است؛ فیلمی که در فهرست رزرو جشنواره چهل‌ویکم بود، درنهایت به طور ناقص در جشنواره چهل‌ودوم شرکت کرد. بهشت تبهکاران به همین شکل، دو مرتبه حمایت ۱۰ میلیارد تومانی گرفته، اما همچنان فقط ۵۵ درصد مالکیت آن در اختیار بنیاد فارابی قرار دارد تا مشخص شود برآوردش به نزدیک به ۴۰ میلیارد تومان رسیده. با همه این احوالات، هنوز هیچ خبری از آماده‌سازی نهایی بهشت تبهکاران برای اکران نیست.

درام‌های اجتماعی با هزینه‌های بالا

جدا از فیلم‌هایی با مضمون دفاع مقدس یا مقاومت که به شکل معمول هزینه بالایی را طلب می‌کند، بنیاد سینمایی فارابی برای بعضی فیلم‌های اجتماعی نیز سرمایه‌های هنگفتی گذاشته است، مثلا سازندگان «بعد از رفتن» با واکنش‌های منفی بسیار و گیشه ضعیف یک میلیارد تومانی، در سال ۱۴۰۱ از این بنیاد ۱۱ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان گرفتند و فیلم «شه‌سوار» که برای بسیاری شبیه به فیلم قبلی کارگردان (شادروان) به نظر می‌رسید، برای سهم ۶۰ درصدی از این بنیاد ۱۱ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان دریافت کرده تا مشخص شود برآوردی حدودا ۱۸ میلیارد تومانی داشته است.

اساسا روشن نیست این ارقام هنگفت در این فیلم‌ها که پروداکشن سنگینی هم ندارند، چطور هزینه شده است. مورد «صبح اعدام» از عجیب‌ترین موارد این فهرست به شمار می‌آید؛ اثری بدون هنرپیشه گران‌قیمت، تولید پرهزینه و فیلمبرداری طولانی که سازندگان آن برای سهم ۳۰ درصدی، از بنیاد فارابی دومیلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان دریافت کرده‌اند، یعنی فیلم سیاه‌وسفید و هنروتجربه طور بهروز افخمی برآوردی ۹ میلیارد تومانی داشته است. مشابه این ارقام برای فیلم «کت چرمی» نیز دیده می‌شود؛ فیلم‌هایی که اگرچه از حضور یکی، دو ستاره سینما بهره می‌برد، اما در سال ۱۴۰۱ بیش از ۱۸ میلیارد تومان برآورد هزینه شده است.

«آبی روشن» از آن هم بدتر است؛ چراکه بدون حضور ستاره‌های سینما، همین ۱۸ میلیارد تومان برآورد دارد. در این فهرست دو فیلم هم وجود دارد که هزینه‌های سنگینی در سال ۱۴۰۲ برای فارابی داشته‌اند، ولی هنوز آماده نشده‌اند: «صیاد» محصول موسسه فرهنگی هنری وصف صبا که برای ۵۰ درصد سهامش، ۱۹ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان از فارابی دریافت کرده و «اسفند» به تهیه‌کنندگی جلیل شعبانی که برای ۵۰ درصدش ۲۱ میلیارد تومان از فارابی گرفته، بنابراین فیلم شهید صیاد شیرازی نزدیک به ۴۰ میلیارد و فیلم اسفند که با نام «قرارگاه سری» شناخته می‌شود و درباره شهید علی هاشمی است، ۴۲ میلیارد هزینه دارد.

فیلمسازی چقدر گران شد؟

گزارش عملکرد بنیاد سینمایی فارابی همچنین نمایی از تورم فوق‌العاده هزینه‌های فیلمسازی را نشان می‌دهد. تهیه‌کننده فیلم سینمایی «ایستگاه اتمسفر» درحالی در سال ۹۹ از این بنیاد بابت ۱۵ درصد مالکیت، ۱۵۰ میلیون تومان دریافت کرده که دوسال بعد، تهیه‌کننده «جنگل پرتقال» با مختصاتی تقریبا مشابه از نظر تولید و بازیگران، برای ۷۰ درصد مالکیت، چهارمیلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان از فارابی دریافت کرده، یعنی اگر فیلم اجتماعی کم‌هزینه و کم‌ستاره‌ای مانند ایستگاه اتمسفر در سال ۹۹ با یک میلیارد تومان هزینه قابل ساخت بود، طی دوسال این رقم به هفت میلیارد تومان رسیده است. اگر این روند را ادامه بدهیم، یک سال بعد به فیلم آبی روشن می‌رسیم که باز هم با مختصات نزدیک به آثار مذکور ۱۸ میلیارد تومان بودجه داشته است.

تاملی در ماموریت‌های فارابی

بررسی باقی بخش‌های گزارش عملکرد بنیاد سینمایی فارابی در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ نکات پراکنده دیگری نیز دارد؛ نخستین نکته اینکه بعضی از قراردادهای انتشارات این بنیاد ارتباط زیادی با ماموریت‌های بنیاد سینمایی فارابی ندارند، به طور مثال پژوهش «تخیل در فیلم مستند» اثر رامتین شهبازی یا «کنسول، چگونه برای بازی‌های کامپیوتری، برنامه تلویزیونی بسازیم؟» اثر سیدعلیرضا مرتضوی بیشتر در حوزه ماموریت‌های مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی یا حتی سازمان صداوسیما به نظر می‌رسد. البته ارقام این حمایت‌ها کم است و جمع اینها به هیچ وجه قابلیت رقابت با بودجه یک فیلم معمولی کم‌هزینه را هم ندارد، ولی به هرحال شایسته توجه است. در فهرست فیلم‌ها و فیلمنامه‌های مورد حمایت نیز اساس اعطای بودجه به برخی آثار مشخص نیست؛ در این بخش چندین اثر وجود دارد که روشن نیست چطور در اولویت‌های بنیاد فارابی قرار گرفته و بیشتر محصولات سینمای تجاری‌اند، آثاری مثل شادروان، شه‌سوار، «بام بالا ۲»، «تارزن و تارزان ۲» و... . آخرین بخش گزارش عملکرد بنیاد فارابی را که اتفاقا ۶ صفحه از کل ۱۴ صفحه گزارش را به خود اختصاص داده، ایرادهای فراوانی دارد. در این بخش تنها اسامی فیلمسازان اولی را که تاییدیه شورای بررسی صلاحیت کارگردانی فیلم اول را کسب کرده‌اند، همراه با شهر محل زندگی آنان قید کرده و هیچ جزئیاتی ندارد. روشن نیست چه کسانی در این گزینش شرکت کرده‌اند و در چه فرآیندی و با چه امتیازی پذیرفته یا رد شده‌اند. این بخش را اصلا نمی‌توان شفاف‌سازی دانست؛ تنها چند اسم است و بس.

سال	نام فیلم	نام تهیه‌کننده	میزان حمایت فارابی	درصد مالکیت فارابی	برآورد کلی	وضعیت اکران
۱۴۰۲	آسمان غرب	حبیب‌ا... والی‌نژاد	۲۹ میلیارد تومان	۵۰ درصد	۵۸ میلیارد تومان	شکست با گیشه ۱۰ میلیارد تومانی
۱۴۰۲	قلب رقه	سعید پروینی	۲۵ میلیارد تومان	۵۰ درصد	۵۰ میلیارد تومان	در صف اکران
۱۴۰۲	اسفند (قرارگاه سری)	جلیل شعبانی	۲۱ میلیارد تومان	۵۰ درصد	۴۲ میلیارد تومان	در مرحله تولید
۱۴۰۲	صیاد	محمدرضا شفیعی	۱۹ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان	۵۰ درصد	۳۹ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان	نامشخص
۱۴۰۱-۱۴۰۲	بهشت تبهکاران	فتحا... جعفری جوزانی	۲۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان	۵۵ درصد	۳۹ میلیارد تومان	نامشخص
۱۴۰۲	دست ناپیدا	سیدسعید سیدزاده	۹ میلیارد تومان	۲۵ درصد	۳۶ میلیارد تومان	در صف اکران
۱۴۰۲	شور عاشقی	داریوش یاری	۱۳ میلیارد تومان	۴۰ درصد	۳۲٫۵ میلیارد تومان	شکست با گیشه ۷۵۰ میلیون تومانی
۱۴۰۱	پالایشگاه	سعید سعدی	۲۶ میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان	۱۰۰ درصد	۲۶ میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان	شکست با گیشه ۶۲۶ میلیون تومانی
۱۴۰۱	سینما متروپل	سیدحامد حسینی	۲۴ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان	۱۰۰ درصد	۲۴ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان	توقیف
۱۴۰۲	آبی روشن	سیدمحمدحسین میری	۶ میلیارد تومان	۳۳ درصد	۱۸ میلیارد تومان	شکست با گیشه ۹۵۰ میلیون تومانی
۱۴۰۲	آپاراتچی	سجاد نصراللهی‌نسب	۶ میلیارد تومان	۳۵ درصد	۱۷ میلیارد تومان	شکست با گیشه ۶ میلیارد تومانی

پایتختی‌ها چگونه به خوان هفتم رسیدند؟

مریم فضائلی
خبرنگار

«پایتخت» سریالی است که دیگر برای مردم غریبه نیست. از همان زمانی که خانواده نقی معمولی وسایل‌شان را بار کامیون کردند و به تهران آمدند، مخاطبان هم پای تلویزیون پا به پای آنها مشکلات‌شان را دیدند و با خنده‌هایشان خندیدند و سال تحویل را با آنها گذراندند. تیم سازنده پایتخت بعد از گذراندن ۱۵ قسمت فصل اول نشان داد که به هیچ عنوان دنبال پیچیدگی نیست. اتفاقا دوربینش را روی زندگی آدم‌هایی تنظیم کرده است که اتفاقات دور و برشان در نسبت با زندگی پیچیده نیست.

داستان‌های یک خانواده معمولی

خانواده معمولی سریال پایتخت مسائل و دغدغه‌هایی نزدیک به خانواده‌های ایرانی دارند. طراحی کاراکترهایی که نزدیک به نبض زندگی هستند، یکی از مهم‌ترین مزیت‌هایی است که به سازندگان این سریال کمک کرده تا قصه‌هایی متنوع و البته نزدیک به واقعیت امروز خانواده ایرانی بگویند. به همین دلیل است که خانواده در سریال پایتخت حکم نخ تسبیح برای پیشبرد قصه را دارد. برای فرهنگی که خانواده دارای اهمیت است، قطعا داشتن نگاه مثبت به این موضوع، می‌تواند امتیاز مثبتی برای پرمخاطب شدن سریال باشد. گستردگی خانواده در نگاه طراحان این سریال نکته جالبی است. حضور پدربزرگ، عمه، پسرخاله و در کل پرتعداد بودن و نزدیک بودن یک خانواده به همدیگر باعث خلق موقعیت‌های طنز زیادی می‌شود و سریال را دوست‌داشتنی‌تر می‌کند. همچنین احترام به پدر، اهمیت دادن و دغدغه داشتن برای کودکان، گفت‌وگو میان زن و شوهر از ابعادی است که در هر خانواده‌ای احساس می‌شود و پایتخت به مثابه یک آینه این روابط را بازنمایی می‌کرد.

مهدی فرجی، مدیر وقت شبکه یک در گفت‌وگویی که در فروردین سال ۱۳۹۸ با مشرق داشت، دلیل جذابیت این سریال را اینگونه عنوان کرد: «من فکر می‌کنم پایتخت خیلی از جنس مردم بود. سیروس مقدم یک فیلمساز درجه یک و حرفه‌ای و مخاطب‌شناس و رسانه‌شناس است. قصه جذاب بود و زوج کمدی، تنابنده و مهرانفر، به شکل جذابی سوار سریال شدند و این سریال را پیش بردند. موقعیت‌های کمدی فراوان، لهجه جذاب، لوکیشین‌های فیلمبرداری متفاوت، شروع بسیار جذاب از مازندران و همه این عوامل باعث شد که مردم احساس کنند دارند یک اثر متفاوت می‌بینند.»

سیروس مقدم درباره این موضوع گفت: «علت توجه مردم به این سریال را از زوایای مختلف و گوناگون می‌توان بررسی کرد، چراکه خط اصلی داستان «پایتخت» و خرده داستان‌های آن برای مخاطبان فیلم کاملا ملموس است، لذا مردم فیلم و اثری را تماشا می‌کنند که اتفاقات آن را کاملا در زندگی خود درک و مشاهده می‌کنند و به نظرم این مساله برگ برنده این مجموعه داستانی است.»

یکی دیگر از مسائلی که باعث محبوبیت این سریال شده بود، در نظر گرفتن آداب و سنت‌های مختلف ایران بود. این خانواده اصالتا شمالی بودند اما در فصل یک تجربه سکونت در تهران را گذراندند. در فصل دوم، این خانواده به قشم سفر کردند و با پوشیدن لباس‌های محلی رنگی جدید به سریال آوردند. بخشی از تجربه‌هایی که این خانواده ایرانی از سر گذراندند، باعث شد تا با آداب و رسوم و سنت‌های گوشه‌های مختلفی از ایران آشنا شویم.

سریال پایتخت به‌گونه‌ای طراحی شده بود که در طول هر فصل معمولا یک ماجرای کلی را هدف قرار داده و در کنار آن خرده داستان‌های دیگری را هم در پیش می‌گیرد. خط و ربط اصلی هر فصل در سریال مشخص است و در ادامه این شخصیت‌ها هستند که در موقعیت‌های مختلف تلاش می‌کنند تا لحظات خاصی را خلق کنند. حتی گاهی وقت‌ها اتفاقات جزئی و بسیار کوچک دستمایه بخشی از سریال پایتخت می‌شود که این نشان از دقت و توجه سیروس مقدم و دیگر خانواده پایتخت به جزئیات در ساخت یک سریال دارند. پایتخت در همراهی مخاطبانش موفق بوده، حتی در اتفاقاتی که چاشنی سورئال و فانتزی داشته و با این حال مخاطب آنها را هم پذیرفته و دوست داشته است.

حواشی؛ عضوی از خانواده پایتخت

فصل به فصل که پایتخت پیش می‌رفت، کاراکترها با هم جور می‌شدند، لحظات بداهه به مرور و با خلاقیت بازیگران سر و شکل بهتری می‌گرفت و فقط کافی بود که یک قصه جاندار همه اینها را کنار هم قرار دهد. پایتختی‌ها وقتی در موقعیت‌های مختلفی قرار می‌گرفتند، داستان پیش می‌رفت و هربار جلوه بیشتری پیدا می‌کرد. معمولا سریال‌های تلویزیونی که در کانون توجه عمومی قرار می‌گیرند، با حاشیه و جنجال‌های زیادی همراه می‌شوند. سریال پایتخت هم از این قاعده مستثنی نبود و برای تک تک این فصل‌ها حواشی گوناگونی به وجود آمده بود. حواشی‌ای که گاهی وقت‌ها آنقدر جدی می‌شد که پخش فصل بعدی سریال را هم تحت شعاع قرار می‌داد. با این حال در ابتدای راه پایتخت، اگر نقدی هم به نوع روایت و طراحی کاراکترها وارد می‌شد، کارگردان و عوامل با یک حواس جمعی جانب منتقدان را می‌گرفتند. سیروس مقدم که حواسش به نقدها و حواشی بود، در واکنش به این نقد که چرا آدم مذهبی این سریال، پیرمردی حواس‌پرت، عقب‌افتاده و بدریخت است فصل دومی متفاوتی ساخت. در فصل دوم احترام به عقاید دینی جامعه ایرانی به یکی از اجزای اصلی قصه سریال بدل شد.

تقریبا با پخش هر فصل، اخبار اعتراض در شمال کشور شنیده می‌شد. ساکنان سرزمین شمالی به دلیل لهجه‌ای که بازیگران پایتخت داشتند، به عملکرد تک تک بازیگرها معترض بودند. البته این اتفاق جدیدی نیست و عمدتا با سریال‌هایی که لهجه‌ای خاص را برای بازیگرانش انتخاب کرده، رخ می‌دهد.

فصل ششم پایتخت جزء پرحاشیه‌ترین فصل‌های این سریال بود و شدت انتقادات به این مجموعه باعث شد که سایه سنگین تعلیق ادامه آن تا به امروز ادامه داشته باشد. سیروس مقدم درباره فصل ششم گفته بود: «تصمیم گرفتیم در فصل ششم اساس و بنیان را بر التهابات درونی خانواده بگذاریم. همه براساس حادثه شکل می‌گرفت. گنبد و گلدسته، نامه‌هایی که باید به رئیس جمهور می‌رسید، سقوط بالن یک خانواده، تصادف ماشین و در فصل ششم خانوادگی‌ترین پایتخت را داریم. از التهابات بیرونی قصه را خلاص کردیم و به درونی‌ها پرداختیم. همراه با خانواده‌ای که در طول این ۱۰ سال ربات نیست، همراه با تحولات جامعه رشد کرده و متحول شده است.»

داستان حواشی فصل ششم با حذفیات و سانسور این سریال آغاز شد. در زمان پخش پایتخت ۶ آنقدر حذفیات زیاد شد که محسن تنابنده در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «میان پایتخت ما و پایتختی که می‌بینید تفاوت از زمین تا آسمان است. حتی نسخه سانسورشده رو هم سانسور می‌کنن.» احمد مهرانفر هم در راستای اعتراض به حجم زیاد سانسور در پستی نوشت: «امان از سانسور. با این وجود ما باز هم در خانه می‌مانیم.» در ادامه، بازیگران سریال پایتخت دیالوگ‌های سانسورشده را منتشر کردند. حذف چندین سکانس از جمله رقص ارسطو و جایی که رحمت با همسر جدیدش روی موتور نشسته بود حواشی زیادی را به همراه داشت. سیروس مقدم درباره سکانس موتورسواری که به سکانس مشابه یک اثر سینمایی قبل انقلابی نسبت داده شده بود، گفت: «به نظرم به این موضوع مثل تمام موضوعاتی که در کار کمدی مطرح می‌شود باید نگاه کرد. در فصل ۱ از کاراکتر جیمز باند استفاده کرده‌ایم. این به این معنی نیست که تیم سازنده طرفدار جیمز باند است. در فصل ۲ خواننده دیگری است. این به این معنی نیست که تیم طرفدار آن فرد است. در تمام صحنه‌های تمرین نقی از موضوعاتی استفاده کردیم، اما این طور نیست که طرفدار سیلوستراستالونه هستیم. در فصل ۴ تم کولی‌ها یا جیپسی‌ها را استفاده کردیم. در فصل ۵ موسیقی ترک از ابراهیم تاتلیس را پخش کردیم. این به این معنی نیست که طرفدار آن خواننده هستیم. در این سکانس اتفاق غیرقانونی رخ نداد. زن و شوهری را نشان می‌دهد که قانونی ازدواج کرده‌اند. زن و شوهری که با موتور رفته‌اند. کیف خانم بین‌شان قرار داده شده است. نه کار غیرعرفی می‌کنند که بگوییم کار غیرعرفی کرده‌اند؛ مثلا دست هم را لمس کنند...»

فصل ششم پایتخت سال ۹۹ پخش شد اما داستان آن ناتمام ماند. بعد از یک سال وقفه و در شرایطی که مشکلات شیوع ویروس کرونا گسترده‌تر می‌شد، عوامل پایتخت قول دادند تا دو قسمت باقی مانده را هم پخش کنند. نوروز ۱۴۰۰ زمانی بود که این تیم به عهدشان وفا کردند، اما با پخش دو قسمت انتهایی، باز هم مخاطبان از نتیجه کار راضی نبودند. بعد از مدتی محسن تنابنده ضمن اعلام اینکه دیگر پایتخت تولید نمی‌شود، گفت: «کدام مملکت روی یک کار ۱۰ سال سرمایه‌گذاری می‌کند تا به «پایتخت» تبدیل شود و بعد آن را قیچی می‌کند؟ «پایتخت» دست ما نیست و اگر آقایان دل‌شان بخواهد ساخته می‌شود و اگر هم دل‌شان نخواهد، ساخته نمی‌شود. در این میان چیزی که مهم نیست، مردم هستند.»

با کم شدن کرونا زمزمه‌هایی از ادامه پایتخت و ساخت فصل هفتم شنیده می‌شد. اما در همان ابتدا حاشیه دستمزد ۵ میلیاردی محسن تنابنده مطرح شد و باعث شد که آذر ماه ۹۹ تنابنده با انتشار متنی اعلام کند که ادامه پایتخت را نمی‌سازد. از طرفی دیگر سارا و نیکا فرقانی اصل، دو بازیگر نوجوان سریال که از کودکی با پروژه پایتخت همراه بودند، پس از پایان فصل آخر به دلیل انتشار عکس‌هایی در فضای مجازی با حاشیه مواجه شدند.

در این چند سال بارها اخبار شروع ساخت فصل جدید پایتخت منتشر شده است. بهمن ماه سال گذشته مدتی شایعه شده بود که قرار است نسخه سینمایی پایتخت ساخته شود تا اینکه الهام غفوری، تهیه‌کننده پایتخت گفت: «مگر قرار بوده نسخه سینمایی «پایتخت» ساخته شود؟»

حالا پایتخت ۷ در شرایطی تولیدش را آغاز کرده است که تلویزیون روزگار سوت و کوری را می‌گذراند. سریال‌هایی که تولید و پخش می‌شوند از بازخورد مطلوبی برخوردار نیستند و بازگشت پایتخت ۷ می‌تواند نقطه خوبی برای آشتی دوباره با تلویزیون باشد.

دوشنبه ۸ مرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۱۹۴
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE